

شنبه های چالشی روزنامه صبا

## جای خالی حماسه عاشورا در قاب سینما

سمیه خاتون  
پرونده

صبا در پرونده های چالشی این هفته به این مسئله می پردازد که چرا قیام امام حسین (ع) و حماسه عاشورا در سینما باز تاب اندکی داشته است؟ و چه مسائلی باعث شده است که فیلمسازان دینی کمتر به سراغ این موضوع برای بازنمایی بروند! آنچه که صبا در این چالش آن را بیشتر محور گفت و گو با صاحب نظران قرار داده است، بازنمایی قیام امام حسین (ع) در سینما است. هر چند آثار سریالی و... نیز در این موضوع چندان زیاد نبوده و نیستند.

امیر رضا نوری پرتو:

واقعۀ عاشورا دراماتیک ترین حماسه در جهان است

دلیل اصلی این مسئله این است که ما هیچگاه سینما را به صورت صنعت نداشتیم. وقتی قرار است اثری را از زندگانی امام سوم شیعیان بسازیم یعنی قرار است یک اثر نمایشی تاریخی بسازیم. همین جا کمبود سینما را در معنای صنعتی حس می کنیم نه به معنای حکومتی و ایدئولوژیک آن! سینمای که وابسته به پول دولت و حکومت نیست، یک صنعت مستقل با ساز و کار اقتصادی خودش است. اینجا باید از خودمان پرسیم که چقدر ایران سینمای شکل صنعتی مستقلی دارد که بخواهد به سراغ این ژانر برود. این اولین چالش و سوال است که باید از خودمان پرسیم و این مسئله تنها در باره ژانر تاریخی با رویکرد مذهبی صدق نمی کند بلکه شامل کلیت سینمای ایران می شود که از تنوع در ژانرهای مختلف و رسیدن به سینما به عنوان یک صنعت برخوردار نیستیم. ساخت یک اثر از قیام عظیم عاشورا در رسته ژانر تاریخی حماسی با رویکرد دینی می گنجد و ما نه تنها در این ژانر بلکه در ژانرهای دیگر مانند وحشت، علمی و تخیلی، تریلر و اکشن و... فقیر هستیم. هر چند به تازگی به لطف شبکه های نمایش خانگی تلاش هایی در این مسیر اتفاق افتاده است اما هنوز تغییری در روند جریان اصلی سینما ایجاد نشده است. یکی از دلایل مهم عقیم ماندن سینما این است که هر اثری که بخواهد ساخته شود باید از فیلتر نهاد های حکومتی و دولتی بگذرد که آن ها هم نگاه های ایدئولوژیک، غیر سینمایی و غیر دراماتیک به تولید اثر دارند. مجموعه اینها دست به دست هم داده اند که می تواند دلیل نداشتن آثار شاخص در این حوزه باشد و مادر در طول این چندین سال تنها شاهد یک تک اراده منسجم و قوی در این موضوع باشیم. چالش دیگر اینکه نویسندگان ما چگونه می توانند در این ژانر یک اثر با ویژگی های نمایشی و دراماتیک خلق کنند؟ بر خلاف عقیده عموم، نویسندگان در این حوزه لازم نیست تاریخ اسلام آن دوره و مقتل خوانی بدانند، بلکه باید بر اسطوره ها و سفر قهرمانی شخصیت در درام مسلط باشند و در این میان شاهدیم که فیلمنامه نویسان ما هم به تبع مخاطبان و تولیدکنندگان تنها برای نوشتن در یکی دو ژانر (اجتماعی، کمدی) تربیت شده اند.

نوشتن در ژانر تاریخی نیاز به تسلط ها و چیره دستی هایی دارد که نویسنده باید قبل از شروع به نگارش، کاملا به مبحث اسطوره ها مسلط باشد، نویسنده وقتی درباره شخصیت های نینوا و کربلا می نویسد باید ریشه های داستانی آنها را در ایران باستان و وجه های اشتراکی آنها را با اسطوره های ایرانی و آیین پهلوانی در بیاورد. بسیاری از این مناسکی که ما در ایام محرم برگزار می کنیم برگرفته و الهام گرفته از آیین هایی است که ما در ایران باستان و پیش از اسلام داشتیم. بنابراین نویسنده باید تاریخ و الگوهای اسطوره های ایران باستان را خوب بداند تا بتواند از آنها در روایت خود الهام و الگو بگیرد. این مسئله متأسفانه به درستی تا بحال اتفاق نیفتاده است به غیر از یک اثر و آن هم روز واقعه است. فیلمنامه ای درخشان از استاد بیضایی. از دید بنده حقیر واقعه عاشورا و سیره امام حسین یکی از دراماتیک ترین و نمایشی ترین داستان در کل ادیان ابراهیمی و دین اسلام است. البته این ادعا و نظر شخصی من است و ممکن است عده ای آن را قبول نکنند. اگر به قصص قرآنی هم نگاه کنید درمی یابید از منظر نمایشی قیام امام حسین مولفه های بسیار دراماتیک و نمایشی بیشتری را نسبت به قصص قرآنی دارد. این حماسه به واقعیت از لحظه عظمت امام به صحرای کربلا تا لحظه کشته شدنش بسیار درخشان و عظیم است و یک درام حماسی کم نقص را به تصویر می کشد. به تصویر کشیدن این حماسه با توجه به پیش فرض ها و پیش آگاهی هایی که مردم نسبت به این حماسه دارند، کار را بسیار برای سازندگان سخت تر می نماید. بر آورده کردن این نیاز در مخاطب با توجه به بر آورد پر عظمتی که از این واقعه دارد بسیار چالش برانگیز است با این استاد بیضایی با دانش وسیع و تسلط و چیرگی که بر مبحث اسطوره های ایرانی، الگوهای نمایشی تاریخ ایران باستان و تاریخ ایران پس از اسلام داشتند به این موفقیت به طور تمام دست یافتند و با خلق کاراکتری خیالی با نام شبلی که در فیلم از او با نام عبدا... یاد شده بود، او را در یک سفر قهرمانانه روانه سفری می کند تا در پی یافتن کاراکتر والا بی به نام حسین ابن علی باشد. در این فیلمنامه شاهدیم که هم الگوی سفر قهرمانی و هم درام از نوع ایستگاهی کاملا اجرا و نمایشی شده است و به نسبت هر منزل لگاهی که شخصیت به آن می رسد مبین این حقیقت است

که آنچه که او به دنبالش است عظمتی والا دارد. بنابراین نه تنها مخاطب ایرانی بلکه مخاطبی هم که امام حسین (ع) را شناسد در این سفر با این اثر همراه می شود. زبرکی استاد بیضایی در این فیلم کاملا برخلاف خیلی از فیلم ها و سریال هایی که در این حوزه تولید شده است تعیین کننده سر نوشت اثر بوده است. چرا که او به دنبال روایت مستندی از تاریخ نبود و گوشه ای خیالی از آن را به تصویر کشیده است. و با این کار تاریخ را به خدمت درام خود در آورده است و این می تواند یک الگوی پیشنهادی موفق برای سازندگان اثر در این حوزه باشد. نزدیک ماندن و وفاداری به روایت های مستند تاریخی باعث از بین رفتن درام می شود و تلاش هایی که با این رویکرد باشد، از نظر من از ابتدا محکوم به شکست است. نگرانی و وفاداری به واقعیت آسیبی است که دامن گیر آثار است. به نظر من در روند درام ما باید مسیر عکس این مسئله را طی کنیم تا داستان هایی دراماتیک جذابی در این ژانر داشته باشیم. فیلم رستاخیز با اینکه پخش نشده است اما همین مشکلات را دارد. دو ساعت روایت کم اوج و فرود را تصویر می کند تا حماسه ای تاثیر گذار را به تصویر بکشد که در نهایت هم نمی تواند این حماسه را تاثیر گذار جلوه دهد، چرا که نمایشی از همان چیزهایی است که قبلا خوانده و یا شنیده ایم. از نظر اجرایی هم صحنه های نبرد بسیار تلویزیونی هستند و قابل قیاس با نمونه های به روز تاریخی و حماسی در سریال ها و سینماهای بیست سال اخیر نیست. به نظر این اثر هم یک نمونه پر خرج و شکست خورده مانند محمدرضا سول... مجید مجیدی است.

کیوان کثیریان:

اثر تاریخی و مذهبی در ایران هزار صاحب دارد

هر سال یک بار این سوال از ما پرسیده می شود و از نظر من بیشترین مشکل در تولید نشدن اثر در نهاد های تأیید کننده ای است که بیشتر به دنبال یک روایت مستند و رسمی هستند. با این دست اتفاقاتی که در مسیر پخش اثر است چرا تهیه کننده و کارگردان باید سرمایه خود را در این مسیر به خطر بیندازد! مقصر مسئولان نظارتی هستند که نمی توانند تحمل کنند کسی روایت دراماتیزه خود را از عاشورا به تصویر بکشد. نمونه فیلم رستاخیز از محمدرضا درویش هم مبین همین نکته است.